

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال الله تبارك و تعالی:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾

سوره مبارکه شمس، آیه ۹

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

گناه، مرض خطرناک و بی درد!

شناسنامه مطلب	
t-120	کد مطلب
تزکیه‌ای/تقوای عمومی/اصلاح اندیشه/تغییر بینش/نسبت به دین	رده
تغییر بینش، گناه، تجسم اعمال، تفکر، تربیت نفس، امامین انقلاب	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی نمو

nomov.ir

اگر انسان به حقیقت گناه ملتفت باشد و به صورت محسوس و ملموس حقیقت آن را درک کرده باشد، انجام گناه برای او سخت خواهد بود؛ اما اگر تنها از گناه یک سری مفاهیم ذهنی داشته باشد، به راحتی مرتکب گناه خواهد شد.

امام خمینی (ره):

مرض‌هایی که درد دارد انسان را وادار می‌کند که در مقام علاج برآید؛ به دکتر و بیمارستان مراجعه کند؛ لیکن مرضی که بی‌درد است و احساس نمی‌شود بسیار خطرناک می‌باشد. وقتی انسان خبردار می‌گردد که کار از کار گذشته است. مرض‌های روانی اگر درد داشت باز جای شکر بود بالاخره انسان را به معالجه و درمان وامی‌داشت؛ ولی چه توان کرد که این امراض خطرناک درد ندارد. مرض غرور و خودخواهی بی‌درد است. معاصی دیگر بدون ایجاد درد قلب و روح را فاسد می‌سازد.^۱

امام خامنه‌ای (مدظله العالی):

من و شما در اینجا برای حیات ابدی مقدمه‌چینی می‌کنیم. هر کاری که در اینجا انجام می‌دهید تحصیل علم و تعلیم آن، مبارزه، ورزش، کسب دنیا و بنا و آبادسازی آن، کوبیدن دشمنان، باید دارای روحی باشد که شما را در صراط مستقیم به پیش ببرد. هرچه که شما را از این راه بازدارد، گناه است. گناه در اصطلاح دینی و در سخن انبیا یعنی عوائق و موانع راه کمال انسان. معنای گناه آن نیست که خدای متعال - العیاذ باللّه - نمی‌خواسته بندگانش خوشی و لذت داشته باشند. لذتی که انسان را از راه خدا بازدارد، مثل غذای مضرّی است که کسی می‌خورد و او را به مرگ نزدیک می‌کند. انسان عاقل این غذا را نمی‌خورد و این لذت را دور می‌اندازد. کسی که چربی یا قند خونش زیاد است یا ماده مضرّی در بدنش وجود دارد، از غذای لذیذی که آن ماده را در بدن او افزایش می‌دهد، پرهیز می‌کند. آن را نمی‌خورد و دور می‌ریزد؛ و لو

خوردن آن غذا لذت داشته باشد. لذت این غذا برای يك لحظه است؛ بعد بدبختی و گرفتاری اش گریبان انسان را می‌گیرد. گناه چنین چیزی است.^۱

هرکدام از گناهان، ضربه‌ای به روح انسان، صفای انسانی، معنویت و اعتزاز روحی وارد می‌آورند و شفافیت روح انسان را از بین می‌برند و آن را کدر می‌کنند. گناه، آن جنبه‌ی معنوی را که در انسان است و مایه‌ی تمایز انسان با بقیه‌ی موجودات این عالم ماده است، از شفافیت می‌اندازد و او را به حیوانات و جمادات نزدیک می‌کند. گناهان در زندگی انسان، علاوه بر این جنبه‌ی معنوی، عدم موفقیت‌هایی را نیز به بار می‌آورند. بسیاری از میدانهای تحرک بشری وجود دارد که انسان به خاطر گناهایی که از او سرزده است، در آن‌ها ناکام می‌شود. این‌ها البته توجیه علمی و فلسفی و روانی هم دارد؛ صرف تعبد یا بیان الفاظ نیست. چطور می‌شود که گناه، انسان را زمین‌گیر می‌کند؟ مثلاً در جنگ احد، به خاطر کوتاهی و تقصیر جمعی از مسلمین، پیروزی اولیه تبدیل به شکست شد. یعنی مسلمین، اول پیروز شدند، ولی بعد کماندارانی که باید در شکاف کوه می‌نشستند و پشت جبهه را نفوذناپذیر می‌کردند، به طمع غنیمت، سنگر خودشان را رها کردند و به طرف میدان آمدند و دشمن هم از پشت، آن‌ها را دور زد و با يك شیبخون، حمله‌ای غافلگیرانه کرد و مسلمانان را تار و مار نمود. شکست احد، از اینجا به وجود آمد. ... پس ببینید! گناهایی که انسان انجام می‌دهد، ... به طور قطعی دو اثر در وجود انسان می‌گذارد: يك اثر، معنوی است که روح را از روحانیت می‌اندازد، از نورانیت خارج می‌کند؛ معنویت را در انسان ضعیف می‌کند و راه رحمت الهی را بر انسان می‌بندد. اثر دیگر این است که در صحنه‌ی مبارزات اجتماعی، آن جایی که حرکت زندگی احتیاج به پشتکار و مقاومت و نشان دادن اقتدار اراده‌ی انسان دارد، این گناهان گریبان انسان را می‌گیرد و اگر عامل دیگری نباشد که این ضعف را جبران کند، انسان را از پا درمی‌آورد.^۲

به هر حال آن چیزی که از بین می‌رود، همین گذران روزانه‌ی ما و شماسست. خوبش، بدش، بر طبق وظیفه‌اش، خلاف وظیفه‌اش، صوابش، اینها از بین می‌رود. طبیعت عالم، طبیعت زوال است. «العالم متغیر». آنچه که میماند، اثر این کار است در دیوان الهی؛ این از بین نمی‌رود. «لا یعزب عنه مثقال ذرة»

۱ - بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۰ / ۰۸ / ۱۳۷۴

۲ - بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۸ / ۱۰ / ۱۳۷۵

به قدر سنگینی یک ذره - حالا ذره چه به معنای ذرات غبار منتشر در هوا، چه به معنای مورچه - از دید محاسبه‌ی الهی مخفی نمی‌ماند. دوربینهای مخفی الهی ذره ذره‌ی اعمال ما را نگاه میکنند و میسنجند؛ و سخت‌ترش این است که بر دل‌های ما هم تسلط دارند. دوربین مخفی فقط توی ساختمان و توی محیط کار و داخل خانه و اینها نیست؛ توی دل ما هم یک دوربین مخفی هست. آنچه بر دل ما میگذرد، آنچه بر ذهن ما میگذرد، آنچه در خلوات انجام میدهیم، همه بدون هیچگونه کم و زیادی منعکس است و در روز قیامت اینها آشکار میشود. « فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ». ظاهر آیه این است که این عمل تجسم پیدا میکند و انسان خود آن عمل را ببیند. عمده این است که این عمل میماند؛ به فکر این ماندنی باشیم. حوادث روزگار و گذران و روزمره‌ی عمر ما، خوش، بدش، در اوج احترام، در حضيض بی احترامی، با جیب پر، با جیب خالی، همه جورش میگذرد و باقی نمی‌ماند. خوش هم قابل دل بستن نیست، چون باقیماندنی نیست؛ بدش هم شکوه و شکایت آنچنانی ندارد، چون باقیماندنی نیست، چون گذراست. آن چیزی که میماند، اثر این عمل است، نتیجه‌ی این عمل است، ثواب الهی است، عقاب الهی است؛ به فکر این باید بود.^۱

تمام عبادات و تکالیف شرعی‌ای که من و شما را امر کرده‌اند تا انجام دهیم، در حقیقت ابزارهای همین تزکیه یا همین تربیت است؛ برای این است که ما کامل شویم؛ ورزش است. همچنان که اگر ورزش نکنید، جسم شما ناتوان، بی‌قدرت و آسیب‌پذیر خواهد شد و اگر بخواهید جسم را به قدرت، به زیبایی، به توانایی، به بروز قدرتها و استعدادهای گوناگون برسانید، باید ورزش کنید. نماز، ورزش است؛ روزه، ورزش است؛ انفاق، ورزش است؛ اجتناب از گناهان، ورزش است؛ دروغ نگفتن، ورزش است؛ خیرخواهی برای انسانها، ورزش است. با این ورزشها، روح زیبا و قوی و کامل می‌شود. اگر این ورزشها انجام نگیرد، ممکن است به ظاهر خیلی پسندیده به نظر بیاییم؛ اما باطن يك باطن ناقص و نحیف و حقیر و آسیب‌پذیر خواهد بود.^۲

۱ - دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی‌امر با رهبر انقلاب، ۱۳۸۹/۰۴/۲۲

۲ - خطبه‌های اولین جمعه ماه مبارک رمضان، ۱۳۷۶/۱۰/۱۲